

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2025; 15(40): e36

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Path Analysis of the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation in Explaining the Relationship Between Parenting Styles and Moral Development in University Students

Maryam Kalthornia Golkar^{1*}

1. Department of psychology, Ka.C, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Moral development, as one of the important outcomes of psychosocial development, is influenced by family factors and internal processes such as cognitive emotion regulation. Therefore, the present study aimed to analyze the mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between perceived parenting styles and moral development in university psychology students.

Methods: This descriptive-correlational study examined the relationships between variables using path analysis. The statistical population consisted of all undergraduate students of Islamic Azad University, Karaj Branch, in the second semester of the 2023-2024 academic year. From among them, 320 individuals were selected by convenience sampling. Participants completed the Baumrind Parenting Styles Questionnaire (1973), the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ) by Garnefski et al. (2001), and the Lotfabadi Moral Development Questionnaire (2007). Data were analyzed using SPSS₂₆ and AMOS₂₄.

Ethical Considerations: The participants who took part in this research completed the questionnaires with awareness of the research being conducted and its objectives.

Results: The results of the path analysis showed that the authoritative parenting style had a significant positive effect, while authoritarian and permissive styles had a negative effect on moral development. The authoritative style was positively associated with adaptive emotion regulation and negatively associated with maladaptive emotion regulation, whereas authoritarian and permissive styles showed the opposite pattern. Bootstrap analysis confirmed the indirect effect of the authoritative style through both adaptive emotion regulation ($\beta = 0.27$, CI95% [0.18, 0.36]) and maladaptive emotion regulation ($\beta = 0.14$, CI95% [0.07, 0.23]). The proposed model had a good fit and indicated that cognitive emotion regulation is a key mediating pathway between parenting styles and moral development. (CFI = 0.92, RMSEA = 0.067).

Conclusion: A significant portion of the impact of parenting styles on students' moral development is explained through the effect of these styles on cognitive emotion regulation strategies. This finding emphasizes on the importance of focusing on strengthening of cognitive emotion regulation skills as an effective intermediate goal in university programs aimed at promoting of moral development and providing counseling.

Keywords: Parenting Styles, Moral Development, Cognitive Emotion Regulation, Students

Corresponding Author: Maryam Kalthornia Golkar; **Email:** m.kalthornia@kia.ac.ir

Received: December 8, 2025; **Accepted:** January 10, 2026; **Published Online:** March 11, 2026

Please cite this article as:

Kalthornia Golkar M. Path Analysis of the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation in Explaining the Relationship Between Parenting Styles and Moral Development in University Students. *Akhlāq-i zistī, i.e., Bioethics Journal*. 2025; 15(40): e36.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره پانزدهم، شماره چهارم، ۱۴۰۴

تحلیل مسیر نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در تبیین رابطه سبک‌های فرزندپروری

با رشد اخلاقی در دانشجویان

مریم کلهرنیا گل کار^{۱*}

۱. گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: رشد اخلاقی به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم تحول روانی - اجتماعی، متأثر از عوامل خانوادگی و فرآیندهای درونی همانند تنظیم شناختی هیجان است، بنابراین پژوهش حاضر با هدف تحلیل مسیر نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و رشد اخلاقی در دانشجویان انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی بود و روابط بین متغیرها با استفاده از تحلیل مسیر بررسی شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نیمسال دوم ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۳۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)، تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) و رشد اخلاقی لطف‌آبادی (۱۳۸۶) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²⁶ و AMOS²⁴ مورد تحلیل قرار گرفتند.

ملاحظات اخلاقی: شرکت‌کنندگانی که در این پژوهش مشارکت کردند، پرسشنامه‌ها را با آگاهی از اجرای پژوهش و اهداف آن تکمیل نمودند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مسیر نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه تأثیر مثبت و معنادار، و سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه تأثیر منفی بر رشد اخلاقی داشتند. سبک مقتدرانه به‌طور مثبت با تنظیم هیجان سازگارانه و منفی با تنظیم هیجان ناسازگارانه مرتبط بود و سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه الگوی معکوس نشان دادند. تحلیل بوت‌استرپ اثر غیرمستقیم سبک مقتدرانه از طریق تنظیم هیجان سازگارانه ($\beta = 0.27, CI95\% [0.18, 0.36]$) و ناسازگارانه ($\beta = 0.14, CI95\% [0.07, 0.23]$) را تأیید کرد. مدل پیشنهادی برازش مطلوبی داشت و نشان داد تنظیم شناختی هیجان مسیر واسطه‌ای کلیدی بین سبک‌های فرزندپروری و رشد اخلاقی است ($CFI = 0.92, RMSEA = 0.067$).

نتیجه‌گیری: بخش قابل توجهی از تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر رشد اخلاقی دانشجویان، به‌واسطه اثر این سبک‌ها بر راهبردهای شناختی تنظیم هیجان تبیین می‌شود. این یافته بر اهمیت توجه به تقویت مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان یک هدف واسطه‌ای مؤثر در برنامه‌های ارتقای رشد اخلاقی و مشاوره‌ای دانشگاه‌ها تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، رشد اخلاقی، تنظیم شناختی هیجان، دانشجویان

نویسنده مسئول: مریم کلهرنیا گل کار؛ پست الکترونیک: m.kalhornia@kiauo.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kalhornia Golkar M. Path Analysis of the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation in Explaining the Relationship Between Parenting Styles and Moral Development in University Students. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2025; 15(40): e36.

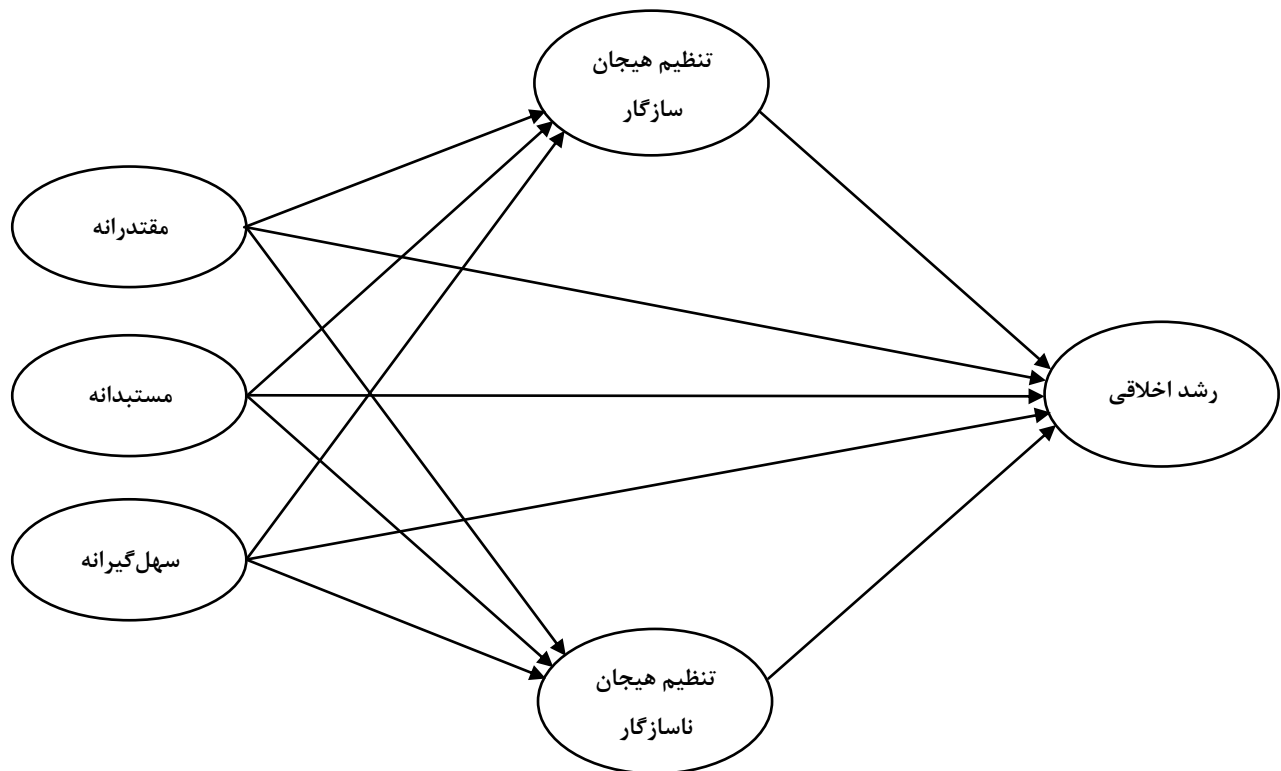
مقدمه

دوران دانشجویی به عنوان یکی از مراحل حساس تحول، نقش تعیین کننده‌ای در شکل گیری هویت فردی، اجتماعی و اخلاقی ایفا می کند. در این دوره، دانشجویان با کاهش وابستگی به خانواده و افزایش استقلال تصمیم گیری، با موقعیت های اخلاقی پیچیده‌ای در حوزه های آموزشی، اجتماعی و حرفه‌ای مواجه می شوند که مستلزم سطح بالایی از رشد اخلاقی است (۱-۲). این موقعیت ها در محیط دانشگاه می تواند شامل چالش هایی نظیر صداقت علمی، رعایت حقوق دیگران و مسئولیت پذیری اجتماعی باشد (۳). رشد اخلاقی به عنوان یکی از ابعاد اساسی تحول شناختی - اجتماعی، به توانایی استدلال مبتنی بر اصول عدالت، مسئولیت و خیر جمعی اشاره دارد و زیربنای رفتارهای مسئولانه و تصمیم گیری های اخلاق مدار در جامعه محسوب می شود (۴-۵). از این رو، دانشگاه ها افزون بر انتقال دانش تخصصی، نقش مهمی در پرورش افرادی برخوردار از حساسیت و قضاوت اخلاقی بر عهده دارند (۶). در تبیین عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی، نظریه های تحولی بر نقش خانواده به عنوان نخستین بافت اجتماعی تأکید کرده اند (۷). در این میان، سبک های فرزند پروری به عنوان الگوهای نسبتاً پایدار تعامل والد - فرزند، از جمله متغیرهای مهمی هستند که با پیامدهای اخلاقی فرزندان ارتباط دارند (۸). شواهد پژوهشی نشان می دهد سبک فرزند پروری مقتدرانه با سطوح بالاتر رشد اخلاقی همراه است، در حالی که سبک های مستبدانه و سهل گیرانه با پیامدهای اخلاقی ضعیف تر مرتبط اند (۹-۱۱). با وجود این شواهد، سازوکارهای روان شناختی پیونددهنده سبک های فرزند پروری و رشد اخلاقی به طور کامل روشن نشده است (۱۲). این ابهام نظری، مانع از شکل گیری مدل های تبیینی جامع و طراحی مداخلات مؤثر در حوزه پرورش اخلاقی می شود (۱۳). یکی از سازه هایی که می تواند این رابطه را تبیین کند، تنظیم شناختی هیجان است. تنظیم شناختی هیجان به راهبردهای آگاهانه‌ای اشاره دارد که افراد برای مدیریت و بازتفسیر تجربه های هیجانی خود به کار می گیرند (۱۴-۱۵). این راهبردها شامل پاسخ های

سازگارانه و ناسازگارانه هستند که ریشه های آن ها در تعاملات اولیه خانوادگی شکل می گیرد (۱۶). والدین مقتدر از طریق پذیرش هیجان ها و هدایت شناختی کودک، زمینه رشد راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان را فراهم می کنند (۱۷). از سوی دیگر، پژوهش ها نشان داده اند که تنظیم شناختی هیجان نقش مهمی در استدلال اخلاقی ایفا می کند (۱۸)، به ویژه در موقعیت هایی که تعارض منافع و هیجان های شدید وجود دارد (۱۹-۲۰). ناتوانی در مدیریت هیجان های منفی می تواند ظرفیت فرد برای در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت و دیدگاه دیگران را کاهش دهد. از این منظر، تنظیم شناختی هیجان می تواند به عنوان یک سازوکار واسطه‌ای کلیدی میان سبک های فرزند پروری و رشد اخلاقی عمل کند (۲۱). اگرچه مطالعات متعددی به صورت جداگانه روابط میان سبک های فرزند پروری، تنظیم هیجان و رشد اخلاقی را بررسی کرده اند، اغلب این پژوهش ها از روش های همبستگی یا رگرسیونی استفاده کرده اند و کمتر به آزمون همزمان این متغیرها در قالب یک مدل علی - تبیینی پرداخته اند. در بافت فرهنگی ایران و به ویژه جامعه دانشجویی، انجام پژوهش های بیشتری که نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان را با بهره گیری از تحلیل مسیر بررسی کند و بتواند این روابط را به صورت همزمان و در قالب یک مدل واسطه‌ای آزمون کند، از اهمیت برخوردار است. همچنین بررسی نقش تنظیم شناختی هیجان به عنوان متغیر میانجی، می تواند به درک دقیق تر فرآیندهای تحولی مؤثر بر رشد اخلاقی دانشجویان و ارائه شواهد تجربی لازم برای توسعه مدل های نظری جامع تر، کمک کند. افزون بر این، نتایج چنین پژوهش هایی می تواند مبنایی برای طراحی برنامه های آموزشی و مداخلات مبتنی بر مهارت های هیجانی - شناختی در محیط های دانشگاهی و خانواده محور فراهم سازد. بنابراین از آنجا که درک بهتر عوامل شکل دهنده رشد اخلاقی نسل آینده ساز کشور، نیازی راهبردی برای هر جامعه‌ای محسوب شده و نتایج این پژوهش می تواند به زمینه سازی سیاست گذاری آگاهانه تر در حوزه خانواده و آموزش عالی یاری رسانده و انجام این مطالعه در بافت فرهنگی ایران، به درک ویژگی های رابطه والد - فرزند و ارزش های اخلاقی در این

میانجیگری تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان است. در نهایت مدل نظری به صورت زیر ترسیم می‌گردد:

بافت و چگونگی تعامل آن‌ها کمک کند لذا انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به آنچه گفته شد هدف مطالعه حاضر تحلیل مسیر تبیین رشد اخلاقی براساس سبک‌های فرزندپروری با



شکل ۱: مدل نظری

روش

روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی - همبستگی از نوع تحلیل مسیر و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ را شامل می‌شود. از آنجا که دسترسی به فهرست کامل دانشجویان و اجرای روش‌های نمونه‌گیری احتمالی با محدودیت‌های عملی همراه بود، از روش نمونه‌گیری در دسترس برای انتخاب شرکت‌کنندگان استفاده شد. حجم نمونه با توجه به الزامات تحلیل مسیر تعیین شد. در تحلیل مسیر، کفایت حجم نمونه معمولاً براساس نسبت تعداد مشاهده‌ها به تعداد پارامترهای آزاد مدل ارزیابی می‌شود. براساس قاعده‌های رایج، حداقل ۵ تا ۱۰ مشاهده به ازای هر

پارامتر آزاد برای برآورد پایدار ضرایب توصیه می‌شود. با توجه به تعداد پارامترهای آزاد مدل پژوهش، حداقل حجم نمونه مورد نیاز حدود ۳۰۰ نفر برآورد شد. به منظور جبران احتمال حذف پرسش‌نامه‌های ناقص یا مخدوش، تعداد ۳۵۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که در نهایت ۳۲۰ پرسش‌نامه کامل و قابل تحلیل گردآوری شد. با توجه به نسبت مناسب حجم نمونه به پارامترهای آزاد مدل، حجم نمونه نهایی ($N = 320$) از حداقل استانداردهای توصیه‌شده فراتر بوده و کفایت نمونه برای اجرای تحلیل مسیر را تأیید می‌کند. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزارهای زیر گردآوری شد:

۱. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)

این پرسشنامه توسط دایانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی شده و در فرم اصلی دارای ۳۰ سؤال است که سه سبک فرزندپروری

پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی تأییدی و شواهد ملاکی تأیید شده و پایایی درونی آن با آلفای کرونباخ $0/68$ تا $0/86$ برای خرده‌مقیاس‌ها و حدود $0/80$ برای کل ابزار گزارش شده است. گارنفسکی و همکاران اعتبار و روایی مطلوبی را برای این مقیاس ذکر کردند. ضریب آلفا برای خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه به وسیله گرانفسکی و همکاران (2002) در دامنه $0/71$ تا $0/81$ گزارش شده است (25). روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه تنظیم‌شناختی هیجان گارنفسکی در پژوهش‌های ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است. حسنی (1390) پایایی درونی خرده‌مقیاس‌ها با ضریب آلفای کرونباخ بین $0/68$ تا $0/82$ و پایایی کل پرسشنامه را حدود $0/80$ گزارش کرده است (26).

۳. مقیاس رشد اخلاقی لطف‌آبادی (1385)

این مقیاس توسط حسین لطف‌آبادی (1385) و با اتکا بر نظریه مراحل رشد اخلاقی کلبِرگ تدوین شده و شامل ۳۰ سؤال در قالب سه مؤلفه اخلاق پیش‌قراردادی، اخلاق قراردادی و اخلاق پس‌قراردادی است که هر مؤلفه ۱۰ گویه را دربر می‌گیرد. گویه‌ها براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» (۱) تا «کاملاً موافقم» (۵) نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات کل پرسشنامه بین ۳۰ تا ۱۵۰ است و نمره بالاتر بیانگر سطح بالاتر رشد اخلاقی می‌باشد. روایی محتوایی مقیاس با نظر متخصصان حوزه روان‌شناسی تربیتی و اخلاق تأیید شده و نتایج تحلیل عاملی، روایی‌سازه سه عاملی آن را همسو با چارچوب نظری ابزار نشان داده است. پایایی درونی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در دامنه $0/78$ تا $0/86$ گزارش شده است که بیانگر پایایی قابل قبول ابزار می‌باشد (27).

یافته‌ها

۱. یافته توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی و اصلی

پژوهش

از مجموع ۳۵۰ پرسشنامه توزیع‌شده، ۳۲۰ پرسشنامه قابل استفاده بودند (نرخ بازگشت $91/4\%$). میانگین سنی شرکت‌کنندگان $21/8$ سال با انحراف معیار $2/4$ سال بود. از

اقتدار منطقی، مستبدانه و سهل‌گیرانه را می‌سنجد. پاسخ‌ها براساس یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای جمع‌آوری و نمره‌گذاری به صورت مؤلفه‌ای انجام می‌شود. با جمع نمرات ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، آمرانه و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آیند. ۱۰ سؤال آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ سؤال به شیوه آمرانه، و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین مربوط می‌شود (۸). بورای (1991) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه مستبدانه رابطه منفی با سهل‌گیری ($r = 0/38$) و اقتدار منطقی ($r = 0/48$) دارد. همچنین شیوه سهل‌گیرانه رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت ($r = 0/7$). بورای (1991) برای محاسبه پایایی از روش باز آزمایی استفاده کرد و این نتایج را به دست آورد: $0/81$ برای شیوه سهل‌گیرانه، $0/86$ برای شیوه استبدادی، $0/78$ برای شیوه اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه نمود که $0/75$ برای شیوه سهل‌گیرانه، $0/85$ برای شیوه استبدادی و $0/82$ برای شیوه اقتدار منطقی به دست آورد (22).

مؤمنی و امیری (1386) روایی صوری، محتوایی و سازه مطلوب آن را تأیید کرده‌اند. پایایی بازآزمایی آن نیز توسط اسفندیاری (1374) به ترتیب $0/73$ ، $0/77$ ، $0/69$ برای خرده‌مقیاس‌ها گزارش شده است ($23-24$).

۲. پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی (2001)

این ابزار توسط گارنفسکی و کرایچ و اسپینهاون (2001) ساخته شده و شامل ۳۶ سؤال است که ۹ راهبرد شناختی تنظیم هیجان را می‌سنجد: سرزنش خود، پذیرش، نشخوار فکری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌پذیری، فاجعه‌سازی و سرزنش دیگران. هر راهبرد با ۴ گویه ارزیابی می‌شود. گویه‌ها براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «تقریباً هرگز» (۱) تا «تقریباً همیشه» (۵) نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات هر خرده‌مقیاس بین ۴ تا ۲۰ و دامنه نمره کل بین ۳۶ تا ۱۸۰ است. نمره بالاتر در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده استفاده بیشتر از آن راهبرد تنظیم شناختی هیجان است. روایی سازه

این تعداد، ۱۹۵ نفر (۶۰/۹٪) زن و ۱۲۵ نفر (۳۹/۱٪) مرد بودند. میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای اصلی پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۲۸/۷	۵/۶	-۰/۴۲	-۰/۱۵
سبک فرزندپروری مستبدانه	۱۵/۲	۶/۸	-۰/۵۱	-۰/۲۲
سبک فرزندپروری سهل‌گیر	۱۹/۸	۶/۱	۰/۱۲	-۰/۳۴
تنظیم هیجان سازگاران	۷۲/۴۲	۱۱/۳	۰/۳۱	-۰/۲۱
تنظیم هیجان ناسازگاران	۴۵/۶	۱۰/۸	۰/۲۷	-۰/۴۰
رشد اخلاقی کل	۶۸/۹	۹/۵	-۰/۱۹	-۰/۲۸

۲. یافته‌های استنباطی پژوهش

۱-۲. ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	سبک سهل‌گیر	تنظیم هیجان سازگاران	تنظیم هیجان ناسازگاران	رشد اخلاقی
سبک مقتدرانه	۱					
سبک مستبدانه	-۰/۵۴**	۱				
سبک سهل‌گیر	-۰/۲۳**	۰/۳۲**	۱			
تنظیم هیجان سازگاران	۰/۶۵**	۰/۴۸**	۰/۱۹**	۱		
تنظیم هیجان ناسازگاران	-۰/۵۱**	۰/۶۱**	۰/۳۸**	-۰/۶۷**	۱	
رشد اخلاقی	۰/۶۰**	-۰/۵۶**	-۰/۲۹**	۰/۶۹**	-۰/۵۸**	۱

ضرایب همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش در جدول (۲) تمامی ضرایب در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار بودند. گزارش شده است.

جدول ۳: روایی همگرا و پایایی سازه‌ها

سازه	CR	AVE
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۸۶	۰/۵۸
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۸۳	۰/۵۵
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۷۹	۰/۵۱
تنظیم هیجان سازگاران	۰/۹۱	۰/۶۲
تنظیم هیجان ناسازگاران	۰/۸۸	۰/۶۰
رشد اخلاقی	۰/۹۳	۰/۶۴

در ادامه در جدول شماره ۴ روایی تشخیصی (معیار فورنل - لارکر) گزارش شده است:

جدول ۴: روایی تشخیصی (معیار فورنل - لارکر)

سازه	فرزندپروری مقتدرانه	فرزندپروری مستبدانه	فرزندپروری سهل‌گیرانه	تنظیم هیجان سازگارانه	تنظیم هیجان ناسازگارانه	رشد اخلاقی
فرزندپروری مقتدرانه	۰/۷۶					
فرزندپروری مستبدانه	-۰/۵۴	۰/۷۴				
فرزندپروری سهل‌گیرانه	-۰/۲۳	۰/۳۲	۰/۷۱			
تنظیم هیجان سازگارانه	۰/۶۵	-۰/۴۸	-۰/۱۹	۰/۷۹		
تنظیم هیجان ناسازگارانه	-۰/۵۱	-۰/۶۱	۰/۳۸	-۰/۶۷	۰/۷۷	
رشد اخلاقی	۰/۶۰	-۰/۵۶	-۰/۲۹	۰/۶۹	-۰/۵۸	۰/۸۰

نتایج تحلیل روایی همگرا نشان داد که مقادیر AVE برای تمامی سازه‌ها بزرگ‌تر از ۰/۵ و مقادیر CR بزرگ‌تر از ۰/۷ بود که بیانگر روایی همگرا و پایایی ترکیبی مناسب سازه‌ها است. همچنین، براساس معیار فورنل - لارکر، جذر AVE هر سازه از همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر بود که روایی تشخیصی مدل را تأیید می‌کند (جدول ۳ و ۴).

۲-۲. تحلیل مسیر و آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از تأیید برازش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری نهایی نیز با شاخص‌های برازش مطلوب برآورد شد:

$$NFI = 0.90, GFI = 0.90, CFI = 0.92, RMSEA = 0.067$$

مسیر مستقیم سبک مقتدرانه به رشد اخلاقی مثبت و معنادار بود ($p < 0.01$ و $\beta = 0.24$). مسیر مستقیم سبک مستبدانه به رشد اخلاقی منفی و معنادار بود. ($p < 0.05$ و $\beta = 0.18$). مسیر مستقیم سبک سهل‌گیر به رشد اخلاقی: منفی و معنادار بود. ($p < 0.01$ و $\beta = -0.11$). مسیر مستقیم سبک مقتدرانه به تنظیم هیجان سازگارانه: مثبت و معنادار بود ($\beta = 0.58$ و $p < 0.01$). مسیر مستقیم سبک مستبدانه به تنظیم هیجان

سازگارانه: منفی و معنادار بود ($\beta = -0.32$ و $p < 0.01$). مسیر مستقیم سبک سهل‌گیر به تنظیم هیجان سازگارانه: منفی و معنادار بود ($\beta = -0.15$ و $p < 0.005$). مسیر مستقیم سبک مقتدرانه به تنظیم هیجان ناسازگارانه: منفی و معنادار بود ($\beta = -0.45$ و $p < 0.01$). مسیر مستقیم سبک مستبدانه به تنظیم هیجان ناسازگارانه: مثبت و معنادار بود ($\beta = 0.55$ و $p < 0.01$). مسیر مستقیم سبک سهل‌گیر به تنظیم هیجان ناسازگارانه: مثبت و معنادار بود ($\beta = 0.26$ و $p < 0.01$). مسیر مستقیم تنظیم هیجان سازگارانه به رشد اخلاقی: مثبت و معنادار بود ($\beta = 0.47$ و $p < 0.01$). مسیر مستقیم تنظیم هیجان ناسازگارانه به رشد اخلاقی: منفی و معنادار بود ($\beta = 0.32$ و $p < 0.01$)

آزمون نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان (اثرات غیرمستقیم)

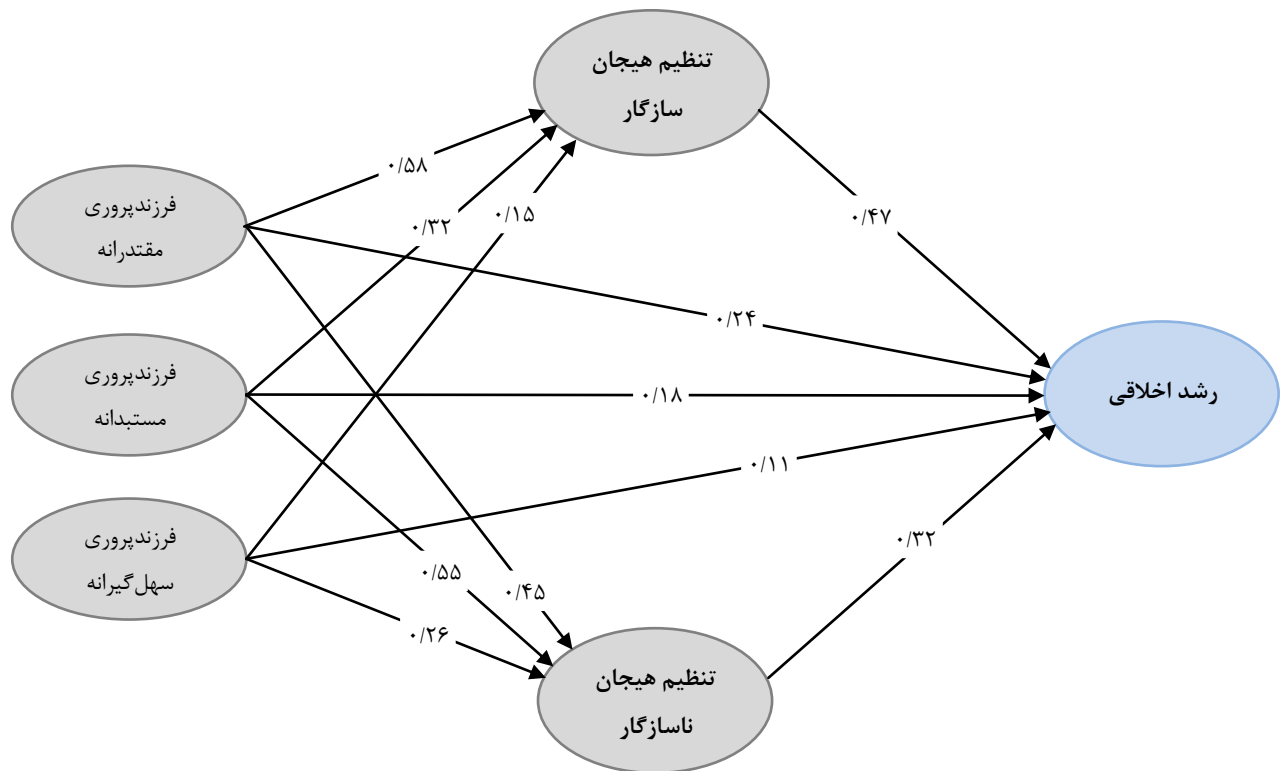
برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش (نقش واسطه‌ای)، از روش بوت‌استرپ با ۵۰۰۰ نمونه تکرار و فاصله اطمینان ۹۵٪ استفاده شد. نتایج در جدول (۵) خلاصه شده است.

جدول ۵: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر رشد اخلاقی

متغیر مستقل	متغیر واسطه‌ای	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	Lower CI	Upper CI
سبک مقتدرانه	تنظیم هیجان سازگار	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۵۱	۰/۱۸	۰/۳۶
سبک مقتدرانه	تنظیم هیجان ناسازگار	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۳۸	۰/۰۹	۰/۲۱
سبک مستبدانه	تنظیم هیجان سازگار	-۰/۱۸	-۰/۱۵	-۰/۳۳	-۰/۲۳	-۰/۰۹
سبک مستبدانه	تنظیم هیجان ناسازگار	-۰/۱۸	-۰/۱۸	-۰/۳۶	-۰/۲۶	-۰/۱۱
سبک سهل‌گیر	تنظیم هیجان سازگار	-۰/۱۱	-۰/۰۷	-۰/۱۸	-۰/۱۴	-۰/۰۲
سبک سهل‌گیر	تنظیم هیجان ناسازگار	-۰/۱۱	-۰/۰۸	-۰/۱۹	-۰/۱۳	-۰/۰۳

روش‌شناختی، روایی همگرا و تشخیصی سازه‌ها و فواصل اطمینان اثرات غیرمستقیم مطابق با توصیه‌های Hair et al. (۲۰۱۹) گزارش شد. در ادامه مدل تحلیل مسیر پژوهش ترسیم می‌گردد:

نتایج تحلیل بوت‌استرپ با ۵۰۰۰ نمونه‌گیری مجدد نشان داد که فواصل اطمینان ۹۵٪ برای تمامی اثرات غیرمستقیم صفر را دربر نمی‌گرفتند که بیانگر معناداری نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان است. لازم به ذکر است برای افزایش شفافیت



شکل ۲: تحلیل مسیر روابط بین متغیرها

بحث

تحلیل بوت‌استرپ، وجود اثرات غیرمستقیم معنادار را از هر دو مسیر سازگارانه ($\beta = 0.27$, $CI95\% [0.18, 0.36]$) و ناسازگارانه ($\beta = 0.14$, $CI95\% [0.07, 0.23]$) تأیید کرد. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه را ارائه می‌دهند، این امر نه تنها با سطوح بالاتری از رشد اخلاقی در فرزندانشان، همراه است، بلکه با استفاده بیشتر از راهبردهای سازگارانه (مانند ارزیابی مجدد) و استفاده کمتر از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان نیز همبسته است که به نوبه خود با رشد اخلاقی رابطه دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های بامریند و دارلینگ و اشتاینبرگ که بر نقش تعادل بین حمایت و کنترل منطقی تأکید دارند، همخوانی دارد. همچنین، همسویی با مطالعات داخلی مانند محمدی و همکاران و لطف‌آبادی، بیانگر کاربردپذیری این الگو در بافت

نتایج این مطالعه نشان داد که مدل نظری پیشنهادی، با در نظر گرفتن «تنظیم شناختی هیجان» به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای، از برازش مطلوبی با داده‌های پژوهش برخوردار است ($CFI = 0.92$, $RMSEA = 0.067$). این برازش نشان می‌دهد که ساختار فوق می‌تواند الگوی روابط مشاهده‌شده میان متغیرها را تبیین نماید. لذا یافته‌های این مطالعه چهارچوبی احتمالی را برای درک چگونگی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با تحول اخلاقی ارائه می‌دهد. همچنین نتایج حاکی از یک رابطه مثبت و معنادار بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و رشد اخلاقی بود. این رابطه هم به صورت مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان بررسی شد.

اهمیت توجه به مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان را به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای مؤثر در برنامه‌های توسعه‌ای و مشاوره‌ای دانشگاهی برجسته می‌سازد. برای غلبه بر محدودیت‌های این مطالعه، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از طرح‌های طولی برای پیگیری تغییرات متغیرها در طول زمان استفاده کنند. همچنین، طراحی‌های آزمایشی یا نیمه‌آزمایشی برای آزمون مستقیم اثربخشی مداخلات مبتنی بر تنظیم شناختی هیجان بر رشد اخلاقی و نیز استفاده از روش‌های دیگر در گردآوری داده‌ها مانند گزارش والدین و مشاهده می‌تواند به غنای روش‌شناختی این حوزه بیفزاید. بررسی نقش متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای مانند جنسیت یا سبک دلبستگی نیز می‌تواند به درک بهتر این روابط کمک کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین سازوکار اثرگذاری سبک‌های فرزندپروری با نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان بر رشد اخلاقی دانشجویان انجام شد و نتایج آن به روشنی نشان داد که این رابطه ماهیتی صرفاً مستقیم ندارد. در واقع، ارتباط میان شیوه‌های تربیتی والدین و رشد اخلاقی، به‌طور معناداری از مسیر تنظیم شناختی هیجان عبور می‌کند. به بیان دیگر، سبک فرزندپروری نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه مدیریت هیجانات در بزرگسالی دارد و همین مهارت مدیریت هیجان، بستر لازم برای تحول و کنش اخلاقی را فراهم می‌سازد (۱۴). به‌طورکلی، تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای معنادار در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه با رشد اخلاقی دانشجویان عمل می‌کند. این یافته تأکید می‌کند که رشد اخلاقی تنها نتیجه آموزش مستقیم قواعد اخلاقی یا استدلال‌های عقلانی انتزاعی نیست، بلکه فرآیندی تدریجی است که بر پایه تجارب اولیه هیجانی - شناختی در محیط خانواده شکل می‌گیرد؛ تجاربی که هسته اصلی آن‌ها یادگیری چگونگی تنظیم هیجانات است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های منظم آموزشی در حوزه مهارت‌های تنظیم هیجان و تفکر اخلاقی، به‌ویژه برای دانشجویان رشته‌هایی که با چالش‌های

فرهنگی ایرانی است. نکته نوآورانه پژوهش حاضر، مدل‌سازی کمی این مسیرهای دوگانه (مستقیم و غیرمستقیم) و ارائه برآورد سهم روابط غیرمستقیم است. همچنین یافته‌ها، رابطه منفی بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با رشد اخلاقی را نشان داد. این تفسیر با دیدگاه هافمن که بر همایندی سبک‌های تربیتی فاقد استدلال با پیامدهای منفی روان‌شناختی تأکید دارد، همسو است. به‌طورکلی، معناداری روابط غیرمستقیم در تمامی مسیرهای مدل، بر نقش محوری تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان یک مکانیسم واسطه‌ای مهم در این روابط تأکید دارد. این یافته، شواهد تجربی همسویی را برای دیدگاه‌های نظری پژوهشگرانی مانند دکتی و کاولو گلیچگرخت و یانگ فراهم می‌آورد که بر وابستگی تصمیم‌گیری اخلاقی به تنظیم هیجان تأکید کرده‌اند. اهمیت این نتیجه در بررسی و حمایت از این چارچوب نظری در بافت رابطه والد - فرزند و در یک نمونه ایرانی است، که با یافته‌های مطالعات داخلی مانند حسینی و رضایی همخوانی دارد. با وجود دستاوردهای فوق، این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که تفسیر نتایج را مشروط می‌سازد. مهم‌ترین محدودیت، ماهیت مقطعی و همبستگی داده‌ها است. اگرچه از روش‌هایی مانند تحلیل مسیر و بوت‌استرپ برای بررسی روابط غیرمستقیم استفاده شده، اما این روش‌ها به تنهایی نمی‌توانند جهت علیت را بیان کنند. بنابراین، تفسیرهای ارائه‌شده در بالا به‌عنوان توضیح‌های احتمالی برای الگوی روابط مشاهده‌شده در نظر گرفته می‌شوند، نه استنباط‌های علی. محدودیت دیگر، انتخاب نمونه به روش در دسترس از دانشجویان یک دانشگاه خاص است که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. همچنین، اتکا به گزارش‌های خوداظهاری و بازگشت به گذشته برای سنجش سبک فرزندپروری، می‌تواند تحت تأثیر سوگیری‌های حافظه قرار گیرد. علیرغم این محدودیت‌ها، پژوهش حاضر از نقاط قوت روش‌شناختی برجسته‌ای بهره می‌برد. این مطالعه در یک مدل، واسطه‌گری یکپارچه را در نمونه‌ای ایرانی و با استفاده از تحلیل مسیر و روش بوت‌استرپ آزموده است که امکان بررسی روابط غیرمستقیم را فراهم می‌آورد. یافته‌های به‌دست‌آمده، علی‌رغم ماهیت غیرعلی،

ملاحظات اخلاقی

اطلاعات جامع در رابطه با دلایل تحقیق، نتایج، حفظ محرمانگی و نحوه انجام تحقیق به افراد داده شد و رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان اخذ گردید.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسنده اعلام می‌دارد که در نگارش بخش پیشینه و ادبیات نظری این مقاله، از ابزار هوش مصنوعی استفاده شده است و پس از خروجی ابزار، محتوا توسط وی بازبینی، ویرایش و تأیید شده است.

اخلاقی بیشتری مواجه‌اند، مانند پزشکی و حقوق، طراحی و اجرا شود. در این برنامه‌ها می‌توان بر آموزش شناسایی و به چالش کشیدن افکار فاجعه‌ساز و نشخوارگر در موقعیت‌های تعارض اخلاقی، آموزش راهبردهای مدیریت خشم و اضطراب در موقعیت‌هایی که شجاعت اخلاقی لازم است، و تمرین بازآرایی شناختی مثبت در تعاملات بین‌فردی مبهم تأکید کرد. همچنین تشکیل گروه‌های مشاوره‌ای با محور مدیریت هیجان در روابط و تقویت تاب‌آوری اخلاقی می‌تواند نقش حمایتی مؤثری در این زمینه ایفا کند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زیست اخلاقی بیش از آنکه انتخابی صرفاً عقلانی باشد، حاصل توانمندی یکپارچه هیجانی - شناختی است که ریشه در تجارب کودکی دارد. دانشگاه‌ها می‌توانند با تمرکز بر تقویت این ظرفیت بنیادین، نه تنها متخصصانی آگاه، بلکه افرادی مسئول و توانمند در عمل اخلاقی در شرایط پیچیده و پرچالش تربیت کنند.

مشارکت نویسندگان

مریم کلهرنیا گل کار تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

References

1. Arnett JJ. Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *Am Psychol*. 2000; 55(5): 469-480.
2. Rest JR, Narvaez D, Bebeau MJ, Thoma SJ. A neo-Kohlbergian approach: The DIT and schema theory. *Educ Psychol Rev*. 1999; 11(4): 291-324.
3. Hardy SA, Carlo G. Moral identity: What is it, how does it develop, and is it linked to moral action? *Child Dev Perspect*. 2011; 5(3): 212-218.
4. Lapsley DK, Hill PL. The development of the moral personality. In: Nucci LP, Narvaez D, editors. *Handbook of moral and character education*. Routledge; 2008. p. 185-200.
5. Kohlberg L. The psychology of moral development: The nature and validity of moral stages. Harper & Row; 1984.
6. Bebeau MJ, Monson VE. Professional identity formation and transformation across the life span. In: McKee A, Eraut M, editors. *Learning trajectories, innovation and identity for professional development*. Springer; 2011. p. 135-162.
7. Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychol Bull*. 1993; 113(3): 487-496.
8. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J Early Adolesc*. 1991; 11(1): 56-95.
9. Maccoby EE, Martin JA. Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In: Mussen PH, Hetherington EM, editors. *Handbook of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development*. 4th ed. Wiley; 1983. p. 1-101.
10. Walker LJ, Hennig KH. Differing conceptions of moral exemplarity: Just, brave, and caring. *J Pers Soc Psychol*. 2004; 86(4): 629-647.
11. Piquart M, Kauser R. Do the associations of parenting styles with behavior problems and academic achievement vary by culture? Results from a meta-analysis. *Cultur Divers Ethnic Minor Psychol*. 2018; 24(1): 75-100.
12. Narvaez D. Moral complexity: The fatal attraction of truthiness and the importance of mature moral functioning. *Perspect Psychol Sci*. 2010; 5(2): 163-181.
13. Tangney JP, Stuewig J, Mashek DJ. Moral emotions and moral behavior. *Annu Rev Psychol*. 2007; 58: 345-372.
14. Gross JJ. Emotion regulation: Conceptual and empirical foundations. In: Gross JJ, editor. *Handbook of emotion regulation*. 2nd ed. Guilford Press; 2014. p. 3-20.
15. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Pers Individ Dif*. 2001; 30(8): 1311-1327.
16. Morris AS, Silk JS, Steinberg L, Myers SS, Robinson LR. The role of the family context in the development of emotion regulation. *Soc Dev*. 2007; 16(2): 361-88.
17. Eisenberg N, Cumberland A, Spinrad TL. Parental socialization of emotion. *Psychol Inq*. 1998; 9(4): 241-73.
18. Decety J, Cowell JM. The complex relation between morality and empathy. *Trends Cogn Sci*. 2014; 18(7): 337-9.
19. Gibbs JC. Moral development and reality: Beyond the theories of Kohlberg, Hoffman, and Haidt. 3rd ed. Oxford University Press; 2010.
20. Gleichgerricht E, Young L. Low levels of empathic concern predict utilitarian moral judgment. *PLoS One*. 2013; 8(4): e60418.
21. Mikulincer M, Shaver PR. Attachment theory and emotions in close relationships: Exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events. *Pers Relatsh*. 2005; 12(2): 149-168.
22. Mehrafrooz H. The relationship between attitudes toward mother's parenting styles (authoritative, authoritarian, permissive) with control and academic achievement in fourth-grade elementary school boys [master's thesis]. Tehran: Tarbiat Moallem University; 1999. [Persian]
23. Momeni F, Amiri Sh. The relationship between types of parents' parenting styles and symptoms of anorexia nervosa in adolescent girls aged 14-17 in Isfahan city. *J Family Res*. 2007; 3(12): 776-789. [Persian]
24. Esfandiari M. Investigating the reliability and validity of Baumrind's Parenting Styles Questionnaire among Tehrani students. *Journal of Psychology*. 1995; 19(2): 15-27. [Persian]
25. Garnefski N, Kraaij V. The Cognitive Emotion Regulation Questionnaire. *Eur J Psychol Assess*. 2007; 23(3): 141-149.
26. Hasani J. The psychometric properties of the cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ). *Journal of Clinical Psychology*. 2010; 24: 139-152. [Persian]

27. Lotfabadi H. Development and validation of a moral development scale for Iranian adolescents and youth. *Journal of Developmental Psychology*. 2007; 3(10): 31-54. [Persian]